



درس هفدهم

چشم های آسمان

کوچولویی - پشت بام - وصل - آراسته اند - لذت - لبه‌ی - خیالی -
باشکوه - سراغ - خیره - میومیو - رخت خواب - صاف - غرق -
نورافشانی - ستاره‌ای - چرخش - نورانی - گسترده - فصل - اشتیاق

شب‌های تابستان، وقتی مادرم من و برادرم را روی پهن
میکند؛ از تماشای آسمان پرستاره می‌برم. معمولاً آسمان
..... است و ستاره‌ها با درخشش زیبایی، آن را آراسته‌اند.

گاهی به ستاره‌ها می‌شوم و با کردن آن‌ها به هم،
شکل‌های جالبی می‌سازم. آن شب هم مثل همیشه تماشای آسمان
بودم که ناگهان ستاره‌ای کوچک و دستم را گرفت و روی خود
نشاند و بُرد. از ستاره خورشید را گرفتم. پرسیدم آیا خوابیده
آست؟ ستاره گفت: خورشید هرگز نمی‌خوابد و همیشه در حال
است.

خورشید است که زمین، سالی یکبار، دور آن می‌چرخد. چهار
..... زیبا که هدیه‌ی خداوند مهربان است. نتیجه‌ی این عظیم و
..... است. حال عجیبی داشتم. آسمان چقدر و وسیع بود.
..... و نشاط وجودم را فراگرفته بود. همچنان که غرق در
سفر بودم، ناگهان صدایی، من را به خود آورد. اول کمی ترسیدم؛
اما خوب که نگاه کردم، دیدم گربه‌ی زیبا و بر پشت‌بام
نشسته است و می‌کند.

*** موفق باشید ***

باز خورد معلم:

